سنجش: نگاه جامعه‌شناس

انتخابات ۱۴۰۳ و دولت توافقی پزشکیان

یک بازخوانی تحلیلی درباره روندی که به شکل‌گیری دولت چهاردهم انجامید

حمیدرضا جلائی‌پور
استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

سید ابراهیم رئیسی، سیزدهمین رئیس‌جمهور ایران، در سی اردیبهشت ۱۴۰۳، در سانحه‌ای هوایی درگذشت (۱). تشییع جنازه‌ی مراحوم او و همراهانش چند روز طول کشید. جمهوری اسلامی سریع اعلام کرد که کمتر از پنجاه روز دیگر، در هشتم تیرماه ۱۴۰۳ انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری برگزار می‌شود. انتخاباتی دومرحله‌ای انجام شد و در مرحله دوم در یازدهم تیرماه (با مشارکت چهل‌وپنج درصد از شهروندان از شصت‌ویک و نیم میلیون واجد شرایط)، مسعود پزشکیان پیروز و رئیس‌جمهور ایران شد.

این نوشتار در پی توضیح و تحلیل این انتخابات و چالش‌های دولت برآمده از آن است. به بیان روشن‌تر این نوشته به دنبال توضیح عناوین و سؤالات زیر است:

انتخابات در چه فضای سیاسی-اجتماعی برگزار شد؟ کنشگران فعال در این انتخابات چه گروه‌ها و کسانی بودند؟ پزشکیان چه تیپ نیروی سیاسی است؟ وعده‌های عجیب نامزدها در تبلیغات انتخاباتی چه بود؟ ترویج که در انتخابات شرکت نکرد چند درصد بود؟ چرا رأی پزشکیان قوی‌تر نبود؟ تشکیل دولت کابلرد و یا کدست، چرا ماهیت دولت پزشکیان در کریسی-توافقی است؟ سکوهای تبلیغاتی علیه دولت پزشکیان کدام‌اند؟ ذکر دو چالش از میان چالش‌های این دولت توافقی؛ پویایی‌های درون اصلاح‌طلبان و انتخاب پزشکیان؛ با انتخابات ۱۴۰۳ ایران وارد چه دوره‌ای می‌شویم؟ آیا آینده دولت پزشکیان امیدآفرین است؟

فضای کشور

وقتی بالگرد رئیس‌جمهور سقوط کرد، اوضاع کشور این‌گونه بود: در انتخابات ۱۴۰۰ با مهندسی انتخابات از سوی شورای نگهبان، «دولت یک‌دست» رئیسی تشکیل شده بود، اما پس از سه سال فعالیت این دولت یک‌دست نه در عرصه سیاست خارجی، نه در جامعه را جلب کرد. اشاره مکرر او به سخنان حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه از یک سیاست‌ورزی اخلاقی حکایت می‌کرد.

دوم، کنشگری محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین و معمار برجام و محمدجواد آذری جهرمی وزیر پیشین وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت روحانی به‌خاطر اینکه با تمام ظرفیت وارد مبارزات انتخاباتی شدند و میان جمعیت شهرهای ایران ایجاد وضعیت کردند. آنان منتظر نشدند تا ببینند مردم چه می‌کنند و بعد وارد انتخابات شوند، بلکه در شهرهای ایران ایجاد وضعیت کردند.

سوم، کنشگری محمدرضا جلائی‌پور به‌خاطر اینکه او و بخشی از نخبگان جامعه با نگاه تدریج‌گرایانه و روزنه‌گشایانه ماه‌ها قبل از انتخابات برای کنشگری مسئولانه آماده شدند و در این راه، حملات مکرر ضد مشارکت انتخاباتی را دفع کردند. بسته‌های روشنگرانه این نخبگان جوان در شبکه‌های اجتماعی، در این انتخابات که در زمان فشرده‌ای انجام شد (کمتر از یک ماه) تا سیصد میلیون بار بازدید داشت.

ستاد آقای پزشکیان دستش به لحاظ مالی و سازمانی خالی بود و مثل ستاد جلیلی از امکانات رسانه‌ای، سازمانی و مالی حکومت برخوردار نبود.

تیپ شخصیتی پزشکیان

اگر محمد خاتمی را یک تیپ نواندیش دینی و همواره با دموکراسی توصیف کنیم، یا محمود احمدی‌نژاد را یک تیپ پوپولیست اقتدارگرا با حسن روحانی را یک تیپ اعتدالی پروورکرات توصیف کنیم، مسعود پزشکیان با روسای جمهور قبلی قابل‌مقایسه نیست شخصیت و منش او «ترکیبی» و مخلوط است، به‌خاطر تأثیری که شخصیت خاص پزشکیان در این انتخابات داشت، من به هشت لایه آن اشاره می‌کنم.

اول اینکه، او به‌صورت عرفی دو تخصص، شناخته شده و قابل وارسی برای همه داشت. پزشکیان فوق‌تخصص جراحی قلب و استاد تمام دانشگاه بود.

دوم اینکه، قیردی مذهبی و انقلابی بود. او در جریان انقلاب جزو دانشجوهای مسلمان و انقلابی انجمن اسلامی دانشگاه تبریز بود و بعد از انقلاب به‌صورت جدی، در جنگ خدمت کرده بود و همچنان پس از نیم قرن به شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی پایبند است. در جریان انقلاب برای آزادی و آبادی مردم این بوده است و نه برقراری حکومت افلیت بر اکثریت.

سوم اینکه، او به‌صورت عملی فردی توسعه‌گراست. توسعه یعنی حل مسائل جمعی یا مشارکت محدود مردم، بهترین نمونه‌اش تعداد زیادی خانه بهداشت با کمک و به‌وسیله مردم در استان آذربایجان شرقی بوده است. چهارم اینکه او به لحاظ مذهبی و عقیدتی فردی عدالت‌طلب است. او عدالت‌طلبی این را با کمک از ادبیات نهج‌البلاغه بیان می‌کند که نه با منظومه مفهومی چپ مارکس، فیلسوف بزرگ معاصر، درباب نظریه عدالت. بیان دیگر عدالت‌طلبی و توسعه‌گرایی او «امنی» است. چیما مفید باشد ایشان پس از ریاست جمهوری از منظومه مفهومی نظریه‌های جدید عدالت و توسعه بیشتر استفاده کند.

پنجم اینکه، او اصلاح‌طلب است. بدین معنا که بسرای کار و تغییر در جامعه در چهارچوب سیستم سیاسی موجود کار می‌کند. ریاست دانشگاه و وزارت بهداشت را می‌پذیرد و کار می‌کند یا چهار دوره است که در انتخابات شرکت می‌کند و از مردم رأی می‌گیرد و در مجلس لایحه‌های نفش می‌کند.

ششم نقطه‌ضعف رأس و آن اینکه، در چهارده گذشته در کارهای جمعی، نهادی و حزبی زیاد کار نکرده است و میرانی ندارد. لذا بیشتر فردگرا است تا جمع‌گرا. این ضعفی است که بسرای ریاست جمهوری شایسته است به آن توجه شود.

هفتم اینکه، او از پایین رشد کرده است و به خانواده مشهوری با شخصیت مشهوری وابسته نبوده است. تلاش کرده و بالیده است.

شایسته‌ذکر در گذشته، رأت خوبود و پاک زندگی کرده است و معمولا کنار مردم بوده است. مردم‌گراست. ولی مردم‌فریب نبوده است.

خلاصه می‌توان گفت او فردی مذهبی، اصلاح‌طلب، توسعه‌گرا، عدالت‌طلب، مردمی، علم‌گرا و تخصص‌گرا است. ولی در هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها «یکتا» نیست. بلکه جمع این خصایص در او جالب است. می‌شود سه‌دسازی کرد و گفت او یک «سوسیال‌دموکرات مسلمان و غیرحزبی ایرانی» است.

وعده‌های عجیب نامزدها

برای نمونه در این انتخابات علیرضا زاکانی (شهردار خالص‌گرای تهران) و نامزد انتخابات، قولهای عجیبی دادا. گفت به مردم هم روزانه گوشت و هم سالانه طلا می‌دهم. وعده‌هایی که به طنز شبیه بود. او و سید ابراهیم جلیلی در این زمینه رقیب بودند. او سید ابراهیم جلیلی را می‌زد. رأی نیاورد و از مبارزه انتخاباتی حذف شد. پس از یک هفته در یازدهم تیرماه ۱۴۰۳ مرحله دوم انتخابات برگزار شد و باز در شرایطی نابرابر پزشکیان برنده انتخابات شد (۴). در این یک هفته خالص‌گرایان حاضر در دولت رسانه‌ای زیادی از دولت را برای تبلیغ جلیلی، بهویژه در روستاها، به‌کار گرفتند.

کنشگران انتخاباتی

انتخابات ۱۴۰۳ از حیث میزان مشارکت مردم متمایز نبود، اما از حیث نتیجه انتخابات اهمیت داشت. چون به انتظار همه اصلی قدرت برای پیروزی نامزدشان تأمین شد و نه نامزد خالص‌گرایان پیروز شد و نه هدف تحریم‌گران ماهوارها برآورده شد. در این انتخابات نیروهای قابل ذکر برای پیروزی جلیلی فعال شدند: نیروهای مستقر در ستاد پزشکیان که اکثرشان اصلاح‌طلب بودند؛ جبهه اصلاح‌طلبان و نشکل‌های آن و اصلاح‌جویانی که در انتخابات مجلس دوازدهم فعال بودند. در این انتخابات در کنار تشکل‌های سیاسی اصلاح‌طلب مانند احزاب کارگزاران، اعتماد ملی، ندای ایرانیان که در انتخابات فعال بودند و از پزشکیان حمایت می‌کردند، آنچه بیشتر دیده شد، کنشگران فعالی بودند که از پزشکیان حمایت کردند. مشارکت این شهروندان و کنشگران، در کاررزار انتخاباتی بسیار موثر بود. در ادامه به سه نفر از آنها اشاره می‌کنم.

اول، کنشگری پزشکیان به‌خاطر اینکه با صداقت در گفتارش اعتماد بخشی از جامعه را جلب کرد. اشاره مکرر او به سخنان حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه از یک سیاست‌ورزی اخلاقی حکایت می‌کرد.

دوم، کنشگری محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین و معمار برجام و محمدجواد آذری جهرمی وزیر پیشین وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت روحانی به‌خاطر اینکه با تمام ظرفیت وارد مبارزات انتخاباتی شدند و میان جمعیت شهرهای ایران ایجاد وضعیت کردند. آنان منتظر نشدند تا ببینند مردم چه می‌کنند و بعد وارد انتخابات شوند، بلکه در شهرهای ایران ایجاد وضعیت کردند.

سوم، کنشگری محمدرضا جلائی‌پور به‌خاطر اینکه او و بخشی از نخبگان جامعه با نگاه تدریج‌گرایانه و روزنه‌گشایانه ماه‌ها قبل از انتخابات برای کنشگری مسئولانه آماده شدند و در این راه، حملات مکرر ضد مشارکت انتخاباتی را دفع کردند. بسته‌های روشنگرانه این نخبگان جوان در شبکه‌های اجتماعی، در این انتخابات که در زمان فشرده‌ای انجام شد (کمتر از یک ماه) تا سیصد میلیون بار بازدید داشت.

ستاد آقای پزشکیان دستش به لحاظ مالی و سازمانی خالی بود و مثل ستاد جلیلی از امکانات رسانه‌ای، سازمانی و مالی حکومت برخوردار نبود